



تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

مرتضی ابراهیمی^۱ | محمودرضا رهبرقازی^۲

شماره ۱ (۳۲)

سال ۱۱
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۲/۱۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۲۰
صص: ۲۶-۴۸

چکیده

اعتراض شکلی از کنش سیاسی است که در آن افراد یا گروه‌های اجتماعی علناً نارضایتی خود را از سیاست‌های موجود ابراز می‌کنند، از تغییر حمایت می‌کنند یا حمایت خود را از یک هدف خاص ابراز می‌کنند. در این راستا، دلایل مختلفی برای این وضعیت اشاره شده است، که البته یکی از علل اصلی این امر گسترش رسانه‌های دیجیتال در دهه‌های اخیر بوده است. در این راستا، هدف این پژوهش بررسی تأثیرات رسانه‌های دیجیتال بر روی کنش سیاسی اعتراضی شهروندان در جامعه آماری کشور ایران با استفاده از داده‌های موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی می‌باشد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی و نسخه ۳ نرم افزار اسمارت پی ال اس نشان می‌دهد که اولاً، رسانه‌های دیجیتال از طریق افزایش کنش سیاسی آنلاین، منجر به تقویت کنش سیاسی اعتراضی در میان شهروندان می‌شود. ثانیاً، نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال از طریق کنش سیاسی آنلاین و سپس نگرانی‌های سیاسی در میان شهروندان نیز می‌تواند باعث گسترش کنش‌های اعتراضی شهروندان گردد.

واژگان کلیدی: رسانه‌های دیجیتال، کنش آنلاین، تهدیدات سیاسی، کنش اعتراضی



DOI: 10.27834/CSIW.2403.1379.1.32.3

^۱دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران m-ebrahimi@uma.ac.ir

^۲نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران m.rahbarqazi@uma.ac.ir

استناد: ابراهیمی، مرتضی و رهبرقازی، محمودرضا. (۱۴۰۳). تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران. *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۱(۱)، ۲۶-۴۸.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

دهه‌ها است که محققان دانشگاهی به بررسی این امر پرداخته‌اند که چگونه رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی به توسعه یک شهروند آگاه و متعهد به جامعه به منظور مشارکت در فعالیت‌های مدنی کمک کرده یا مانع آن شده‌اند (Bennett & Segerberg, 2012). رسانه‌های دیجیتال به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی سیاسی شهروندان تبدیل شده‌اند زیرا تعداد فزاینده‌ای از مردم در سراسر جهان از فناوری‌های رسانه‌های دیجیتال برای اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند. در مجموع، رسانه‌های دیجیتال همچنین یک پلتفرم مهم را تشکیل می‌دهند که مردم می‌توانند از آن برای هماهنگی و بسیج بین افراد همفکر استفاده کنند. با این وجود، رسانه‌های دیجیتال ضمن توزیع پیام‌های آموزنده، چون بسیج عوامل سیاسی - اجتماعی را نیز تسهیل می‌کنند بنابراین آن‌ها باعث نگرانی در مورد انتشار اطلاعات نادرست، شکاف اطلاعات و قطبی‌سازی سیاسی در بین شهروندان می‌شود. مطالعات اخیر بر روی اینترنت و فعالیت‌های سیاسی نیز نقش مهم رسانه‌های دیجیتال را در شکل‌دهی به اشکال مختلف مشارکت سیاسی و بسیج اعتراضات اجتماعی در سراسر جهان برجسته کرده است (Lee & Chan, 2018). رسانه‌های دیجیتال اخبار و اطلاعات بسیج شهروندان و علل آن را در اختیار مردم قرار می‌دهند و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا نظرات خود را با بسیاری دیگر تبادل کنند و آن‌ها را برای مشارکت در فعالیت‌های عمومی ترغیب کنند (Shmargad & Klar, 2019). علاوه بر این، محتوای رسانه‌های دیجیتال را می‌توان به سرعت و بدون صرف زمان و هزینه قابل توجهی به روز کرد، که به کاربران رسانه‌های دیجیتال این امکان را می‌دهد تا به راحتی اهداف ارتباطی خود را از طریق فعالیت‌های سیاسی مختلف آنلاین دنبال کنند (Montgomery & Xenos, 2008). به عبارت دیگر، رسانه‌های دیجیتال امکاناتی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که باعث می‌شود تا افراد از یک سو بتوانند به شکل آنلاین و از سوی دیگر به شکل آفلاین و عینی در بحث‌های سیاسی مشارکت نمایند.

در عصر حاضر این فضای ارتباطی، نه تنها شیوه توزیع و نشر اطلاعات، بلکه اقتصاد، فرهنگ، جامعه، سیاست و شیوه زندگی را نیز تغییر داده‌اند. این رسانه‌های دیجیتال به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی و خاصی که دارند، ابزار کارآمدی را در اختیار جنبش‌های اعتراضی قرار داده است تا با بسیج افکار عمومی از طریق امکانات به دست آمده در فضای مجازی، به سمت فراخوان،

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

سازمان‌دهی و هدایت اعتراضات برون‌د، و یا اینکه حداقل به بعضی از اهداف خود دست یابند و یا اینکه شرایط کنش سیاسی را آسان‌تر نمایند (Hersij & Rabienia, 2023). به‌طور کلی استدلال می‌شود که رسانه‌های دیجیتال به چند شیوه بر روی کنش سیاسی شهروندان و جنبش‌های اجتماعی اعتراضی تأثیر گذار باشد؛ اولاً سرعت بالای این ابزارها در انتقال اطلاعات باعث می‌شود که بسیاری از کنش‌گران اجتماعی از این فن‌آوری‌ها برای تبلیغ و اشاعه باورهای خود استفاده کنند. دوم اینکه رسانه‌های دیجیتال از پتانسیل بالایی برای ایجاد هویت‌های جمعی‌ای که برای شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی لازم است، برخوردار هستند. سوم این‌که شهروندان در صورتی به جنبش‌های اعتراضی می‌پیوندند که بین این افراد نوعی همدلی و حساسیت در حول موضوعی مشترک ایجاد شود و منجر به ایجاد انسجام میان آن‌ها گردد، امری که رسانه‌های اجتماعی به آن کمک زیادی می‌کند. سرانجام، رسانه‌های دیجیتال از طریق افزایش انسجام درونی بازیگران اجتماعی، ایجاد ائتلاف بین آن‌ها را تقویت می‌کند و هماهنگ‌سازی اهداف و تاکتیک‌های مبارزاتی میان آن‌ها را تقویت می‌کند (Sardarnia, 2009).

بنابراین با توجه به اهمیت رسانه‌های دیجیتال در تقویت و گسترش کنش‌های اعتراضی به نظر می‌رسد پرداختن به این امر در جامعه ایرانی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در سال‌های اخیر به دلایل مختلف کنش سیاسی اعتراضی شهروندان ایرانی گسترش یافته است، که البته هرچند دلایل مختلفی برای آن عنوان شده است، اما به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم در این زمینه، رسانه‌های دیجیتال هستند. البته نه اینکه رسانه‌های دیجیتال به خودی خود باعث کنش سیاسی افراد گردد، اما این نوع از رسانه‌ها با افزایش فعالیت‌های سیاسی آنلاین و همچنین گاه‌ها انتشار اطلاعات غلط و گسترش فضای شایعه‌محوری در جامعه منجر به تحریک شهروندان برای پیوستن به چنین گروه‌های اعتراضی گشته‌اند. در این راستا، اهداف این پژوهش عبارتند از:

۱. تبیین تأثیرات مستقیم رسانه‌های دیجیتال بر روی کنش سیاسی اعتراضی شهروندان؛
۲. تبیین تأثیرات غیرمستقیم رسانه‌های دیجیتال بر روی کنش سیاسی اعتراضی شهروندان از طریق متغیر میانجی کنش سیاسی آنلاین؛
۳. تبیین تأثیرات غیرمستقیم رسانه‌های دیجیتال بر روی کنش سیاسی اعتراضی از طریق متغیرهای میانجی کنش سیاسی آنلاین و افزایش نگرانی‌های سیاسی در شهروندان.

۱- ادبیات تجربی

هرسیچ و ربیعی‌نیا (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی» نشان می‌دهند که رسانه‌های اجتماعی در قالب سه مضمون کلی «هنجارسازی»، «بسیج و سازمان‌دهی» و «واکنش میدانی»، بر جنبش‌های اعتراضی تأثیر مثبت می‌گذارند.

شمس و فرقانی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی و تولید شایعات در انتخابات سیاسی (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی اینستاگرام)» نشان می‌دهند که شایعات انتخاباتی در ایستاگرام با اهداف تبلیغات سیاسی، ایجاد ناآرامی در فضای انتخابات، تولید نفاق بین اعضای جامعه، مخدوش کردن اصل انتخابات و عدم وجود دموکراسی واقعی در فرایند اجرای آن، کاهش انگیزه افراد جهت شرکت در انتخابات و تخریب نامزدهای رقیب و احزاب مخالف از سه منبع اصلی گروه‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی، فعالان سیاسی در احزاب و ستادهای انتخاباتی هریک از نامزدها و عموم مردم در شبکه اجتماعی اینستاگرام تولید و انتشار می‌یابد.

رهبرقاضی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی با توجه به متغیرهای میانجی بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی» نشان می‌دهند که عمیق شدن فعالیت در رسانه‌های اجتماعی و واقعی تلقی کردن محتوای رسانه‌های اجتماعی با ایجاد تأثیرات مثبت بر روی افزایش بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی منجر به تقویت فعالیت سیاسی می‌شود.

امیری و رضایی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «واکاوی تأثیر و نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در چگونگی وقوع انقلاب‌های تونس و مصر» استدلال می‌کنند که آنچه در تحولات انقلابی دو کشور مصر و تونس انکار ناپذیر می‌باشد، تأثیر رسانه‌های جمعی و اینترنت و مخصوصاً رسانه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس بوک در اطلاع‌رسانی سریع و برنامه‌ریزی‌ها جهت تجمعات اعتراضی و راهپیمایی‌ها و گسترش سریع این تحولات بود.

کیم^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «نقش استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌ها در تعامل مدنی و سیاسی: تمرکز بر انواع استفاده و پلتفرم‌ها» نشان داد که انواع استفاده از اخبار رسانه‌های

¹ Kim

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

اجتماعی به طور متفاوتی با رفتارهای مشارکتی مرتبط است. به طور خاص، استفاده اطلاعاتی با فعالیت سیاسی رابطه منفی نداشت، در حالی که استفاده ارتباطی به طور مثبت با رفتارهای مشارکت مدنی و سیاسی مرتبط بود. علاوه بر این، پلتفرم‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی در شکل‌دهی انواع استفاده از اخبار رسانه‌های اجتماعی و رفتارهای مشارکتی نقش داشتند و پلتفرم‌های ویدیویی آنلاین بیشترین اثربخشی را در این زمینه داشتند. بر اساس این یافته‌ها، این مطالعه نتیجه می‌گیرد که ایجاد انگیزه در افراد برای اشتراک‌گذاری، واکنش یا اظهار نظر در مورد اخبار، کلید تعمیق مشارکت مدنی و سیاسی است.

انی کولوپوف^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌های اجتماعی و مشارکت در اعتراضات: شواهدی از روسیه» نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال با کاهش هزینه‌های هماهنگی از طریق انتشار آسانتر اطلاعات انتقادی از دولت، فعالیت اعتراضی را تحریک می‌کنند.

ژو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوانان: نقش تعدیل و میانجیگری بیان سیاسی آنلاین» نشان دادند که استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی به طور غیرمستقیم و با میانجی‌گری بحث سیاسی آنلاین باعث تقویت فعالیت سیاسی شهروندان می‌شود.

نام^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «اثرات دوگانه اینترنت بر فعالیت سیاسی: تقویت و بسیج» استدلال می‌کنند که اولاً، کسانی که در فعالیت‌های سیاسی آنلاین شرکت می‌کنند، با کسانی که فعالیت سیاسی خود را به صورت آفلاین انجام می‌دهند، تفاوت زیادی ندارند. دوم، اینترنت نقش دوگانه‌ای را در بسیج مشارکت سیاسی توسط افرادی که معمولاً درگیر سیاسی نیستند، و همچنین تقویت مشارکت آفلاین موجود ایفا می‌کند.

در این راستا، به نظر می‌رسد جمع تحقیقات موجود در زمینه رابطه رسانه‌های اجتماعی و کنش سیاسی عمدتاً یا به روابط مستقیم این دو متغیر پرداخته‌اند و یا این که منظور این نویسندگان از فعالیت و کنش سیاسی، مشارکت سیاسی رسمی و متعارف در جامعه بوده است. اما این پژوهش تلاش دارد تا اولاً به روابط غیرمستقیم رسانه‌های دیجیتال در کنش سیاسی بپردازد. ثانیاً در این پژوهش منظور

¹ Enikolopov

² Zhu

³ Nam

از کنش سیاسی عمدتاً کنش‌های غیر متعارف که ماهیت اعتراضی و مرتبط با جنبش‌های اجتماعی جدید دارند، می‌باشد.

۲- ادبیات نظری

به نظر می‌رسد اولین نظریه در این زمینه، نظریه نسیج است. تئوری نسیج بیان می‌کند که فضای مجازی پتانسیل این را دارد که ابزاری تأثیرگذار برای تشویق مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی باشد (Dunu & Uzochukwu, 2015). این تئوری ادعا می‌کند که فضای مجازی به فعالان سیاسی فرصتی استثنایی می‌دهد تا با حامیان بالقوه شبکه‌هایی ایجاد کنند و اخبار مربوط به رویدادها و فعالیت‌های سیاسی مورد علاقه خود را به اشتراک بگذارند (Casteltrione, 2016)؛ بنابراین، این ابزارها ممکن است افراد را متقاعد کنند که در این رویدادهای سیاسی شرکت کنند که در غیر این صورت ممکن است از آنها اطلاعی از اتفاقات سیاسی نداشته باشند. در این تئوری، رسانه‌های اجتماعی و سایر ابزارهای مجازی می‌توانند برای تبلیغ گردهمایی‌های سیاسی مانند تجمعات یا اعتراضات و ارتباط دادن جوانان با ایدئولوژی‌های سیاسی همفکر استفاده شوند (Mandrysz, 2016). در نتیجه، فضای مجازی می‌تواند با تقویت حس تعلق و هدف مشترک، افراد را به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تشویق کند. پلتفرم‌های مجازی شامل ابزارهایی هستند که می‌توانند برقراری ارتباط و اشتراک‌گذاری ایده‌ها را آسان‌تر کنند. علاوه بر این، به‌عنوان مثال، ابزارهایی مانند لایک کردن، اشتراک‌گذاری و نظر دادن در مورد پست‌های ایجاد شده ممکن است برای ابراز حمایت یا مخالفت با یک موضع سیاسی خاص مورد استفاده قرار گیرد. چنین عملکردهایی در فضای آنلاین می‌تواند به جریان‌های سیاسی کمک کند تا مشخص کنند که آیا طرفداران این جریان‌ها با یک ایده خاص موافق هستند؟ اینترنت میلیاردها نفر را در سراسر جهان شبکه‌ای کرده‌اند و نحوه مشارکت افراد در سیاست را با ارائه راهکارهای جدید از قبیل ابراز عقاید، اشتراک‌گذاری اخبار و سازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی، تغییر داده‌اند (Agojo et al, 2023). فضای مجازی این توانایی را دارد که به شهروندان کمک کند تا با هم‌نوعان خود تعامل داشته باشند و جنبش‌های اجتماعی موجود را پیدا کنند و به آنها بپیوندند. علاوه بر این، اینترنت یک انجمن برای افراد فراهم می‌کند تا در مورد تجربیات خود صحبت کنند و از دیگران درباره تجربیات خودشان بشنوند. این می‌تواند به جوانان

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

کمک کند تا درک عمیق‌تری از مسائل سیاسی پیدا کنند و همچنین به شهروندانی آگاه‌تر و متعهدتر تبدیل شوند (Vraga & Tully, 2021). به طور کلی، نظریه بسیج ادعا می‌کند که فضای مجازی می‌تواند ابزار مفیدی برای تقویت کنش سیاسی افراد باشد. همچنین رسانه‌های دیجیتال می‌تواند به سازمان‌دهی جوانان کمک کنند و با ارائه بستری به فعالان سیاسی، برای ارتباط با حامیان بالقوه و پخش اطلاعات در مورد رویدادها و فعالیت‌های سیاسی، آن‌ها را تشویق کنند تا از نظر سیاسی فعال‌تر شوند. طبق نظریه بسیج، رسانه‌های دیجیتال می‌توانند برای ترویج رویدادها و فعالیت‌های سیاسی در بین افراد و پیوند دادن آن‌ها با افراد همفکر مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین رسانه‌های دیجیتال می‌توانند برای افزایش آگاهی از سیاست و تشویق شهروندان به شرکت در فعالیت‌های سیاسی استفاده شوند. بسیج سیاسی از طریق رسانه‌های دیجیتال باعث می‌شود گروه‌هایی که در گذشته خارج از قلمرو کنش سیاسی قرار داشتند، به این نتیجه برسند که باید در فرایندهای کنش سیاسی مشارکت داشته باشند (Chegini, 2008). البته مطلبی که در این زمینه دارای اهمیت است آن است که به دلیل کنترل فضای رسانه‌های سنتی توسط دولت، بخش عمده‌ای از گروه‌های اپوزیسیون به سمت رسانه‌های دیجیتال، که تا حدودی در خارج از محدوده نفوذ دولت‌ها قرار دارند سوق داده می‌شوند. بدین ترتیب محتوای رسانه‌های دیجیتال، محتوایی است که که بسیاری از عناصر آن در مخالفت با گفتمان‌های موجود در رسانه‌های رسمی قرار می‌گیرد و با به چالش کشیدن روایت‌های رسمی و حکومتی، نوعی آگاهی ساختارشکنانه را در جامعه ترویج می‌دهند که باعث احساس ناامنی در جامعه می‌شود و منجر به کنش سیاسی از نوع اعتراضی در میان شهروندان می‌گردد (Jost et al, 2018).

نظریه دوم، نظریه تقویت است. نظریه تقویت استدلال می‌کند که رسانه‌های دیجیتال ممکن است از نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی موجود در بین افراد حمایت کند (Grishin, 2021). بر اساس این نظریه، افراد بیشتر در معرض اطلاعات و ایده‌هایی قرار می‌گیرند که با باورهای قبلی‌شان مطابقت دارد، زیرا انتظار می‌رود که افراد اخباری را جستجو کنند که از دیدگاه‌های قبلی این افراد حمایت می‌کند (Cheong et al, 2022). بنابراین افراد بیشتر در باورهای موجود خود غوطه‌ور هستند و تمایل کمتری به در نظر گرفتن دیدگاه‌های جایگزین دارند. از نظر کنش سیاسی، از یک طرف، رسانه‌های دیجیتال ممکن است مکانی را برای افراد فراهم کنند تا با افراد دیگری که عقاید سیاسی با آن‌ها

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مشابه است، ارتباط برقرار کنند (Diou et al, 2018). از طرف دیگر، رسانه‌های دیجیتال همچنین ممکن است باعث قطبی شدن جامعه و چندپارگی گفتمان عمومی شود. این به دلیل افزایش تمایل مردم برای تعامل با دیگرانی است که با عقاید سیاسی فعلی آن‌ها مشترک هستند و کاهش تمایل به تعامل با کسانی که ارزش‌هایشان در تضاد با ارزش‌های آن‌ها است، اتفاق می‌افتد (Lin et al, 2023). نظریه تقویت نشان می‌دهد که رسانه‌ها قدرت کمی برای تأثیرگذاری بر مردم دارند، بلکه نگرش‌ها و باورهای از پیش موجود ما را که توسط نهادهای اجتماعی قدرتمندتر مانند خانواده‌ها، مدارس، مذهب و سازمان‌ها ایجاد شده‌اند، تقویت می‌کنند. در نتیجه، رسانه‌های دیجیتال ممکن است به جای این که به افراد اجازه دهد با ایده‌های جدید ارتباط برقرار کنند، نگرش‌ها و شیوه‌های سیاسی فعلی را تقویت کنند. اگر با این نظریه به موضوع نگرینسته شود، رسانه‌های اجتماعی باعث نوعی دوقطبی شدن جامعه و کاهش تساهل در جامعه می‌گردد. از این چشم‌انداز، رسانه‌ها صرفاً باعث می‌شوند تا عرصه عمومی برای گفتگوی گروه‌های سیاسی در جامعه کاهش یابد، و رسانه‌ها با ایجاد نوعی انسداد سیاسی منجر به کنش‌های سیاسی غیرمتعارف و اعتراضی در جامعه گردند (Trottier & Fuchs, 2014).

نظریه سوم در این زمینه، نظریه ماریپیچ سکوت است. ترس از انزوا موتوری است که ماریپیچ سکوت را به حرکت درمی‌آورد. ایده اساسی نظریه ماریپیچ سکوت این است که افکار عمومی به عنوان نوعی کنترل اجتماعی عمل می‌کند. با توجه به تعریف نوئل - نیومن، افکار عمومی بر اساس هنجارها و قراردادهایی اداره می‌شود که نقض آن‌ها موجب تحریم آن افراد می‌شود. نوئل - نیومن فرض می‌کند که انسان‌ها ترس ذاتی از انزوا دارند و رفتار خود را طوری تطبیق می‌دهند که از دیگران منزوی نشوند (Noelle-Neumann, 1993). این ترس از انزوا به قدری قوی است که مردم اگر تصور کنند این نظرات با افکار عمومی متفاوت است، اظهار نظر نمی‌کنند. ترس از طرد اجتماعی یا پیامدهای نامطلوب برای ابراز عقاید متفاوت با اکثریت ممکن است علت این امر باشد. بر اساس نظریه ماریپیچ سکوت، رسانه‌های دیجیتال با تأثیرگذاری بر ادراکات افکار عمومی و ایجاد احساس تعهد اجتماعی برای انطباق با نظرات اکثریت، می‌توانند افراد را به کنش سیاسی تشویق کنند یا از آن جلوگیری کنند. البته همان‌طور که قبلاً ذکر شد، بیشتر مطالب موجود در رسانه‌های دیجیتال در اختیار نیروهای اپوزیسیون قرار دارد و مطالبی که در آن‌ها انتشار می‌یابد در راستای تضعیف و به

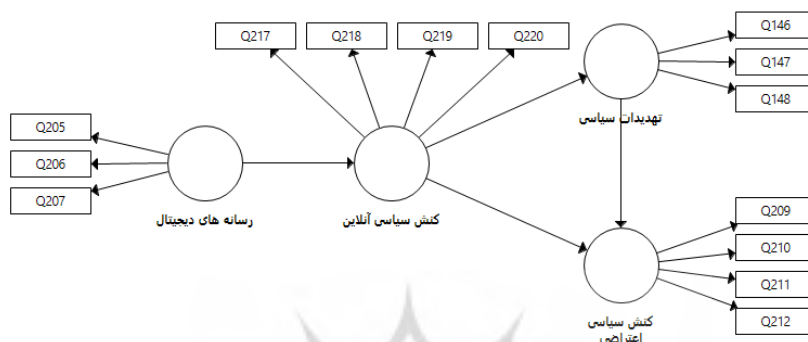
تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

چالش کشیدن گفتمان رسمی و نهادی در کشورها می‌باشد (Enikolopov et al, 2020). بنابراین با توجه به ماهیت ضد دولتی در این نوع از رسانه‌ها، کاربران رسانه‌های دیجیتال تحت چنین فضایی به سمت سکوت و یا تأیید این روایت‌های ساختار شکنانه سوق پیدا می‌کنند، که این امر نیز نهایتاً منجر به تشدید تأثیرات منفی این رسانه‌ها در ایجاد احساس لزوم تغییرات ساختاری در کشور می‌گردد. در این راستا، مدل نظری پژوهش بر اساس نظریات فوق طراحی می‌گردد (شکل ۱). انتظار می‌رود که اولاً رسانه‌های دیجیتال بتواند مشارکت سیاسی آنلاین را افزایش دهد. مطالعات اولیه بر نقش ارتباطات بین فردی در فرآیندهای سیاسی تأکید دارند (Katz, et al, 2017). بر این اساس، افرادی که در شبکه‌های بزرگ‌تر ارتباط برقرار می‌کنند، ممکن است آگاه‌تر شوند و در نتیجه احتمال شرکت در فعالیت‌های سیاسی بیشتر شود. به عبارت دیگر، اندازه شبکه‌های ارتباطی تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی دارد، زیرا احتمال گفتگو در مورد موضوعات سیاسی با افراد مختلف در درون آن شبکه افزایش می‌یابد (Scheufele, 2002)؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که رسانه‌های دیجیتال کاربران را قادر می‌سازند تا با خانواده، دوستان، همکاران و افراد غریبه به شکل مجازی ملاقات کرده و با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و به طور کلی ممکن است آن‌ها را در معرض دیدگاه‌های مختلف سیاسی قرار دهند. آن‌ها همچنین به افراد اجازه می‌دهند تا اخبار و اطلاعات را به اشتراک بگذارند و با افراد مختلف در یک شبکه صحبت کنند، که این امر به نوبه خود ممکن است منجر به افزایش رفتارهای سیاسی در سطح آفلاین و آنلاین شود (Kim & Chen, 2016). بر این اساس فرض اول این پژوهش آن است که استفاده از رسانه‌های دیجیتال می‌تواند منجر به افزایش کنش سیاسی آنلاین در میان شهروندان گردد. دوم این که بر اساس مدل نظری این پژوهش، انتظار می‌رود تا افزایش کنش سیاسی آنلاین از طریق رسانه‌های دیجیتال منجر به افزایش کنش سیاسی اعتراضی در میان افراد گردد. واقعیت این است که فناوری‌های مدرن ارتباطی، شیوه سازماندهی افراد و گروه‌ها و به اشتراک گذاری اطلاعات برای بسیج سیاسی شهروندان معترضان را به طور اساسی تغییر داده است. مخصوصاً رسانه‌های دیجیتال به افراد قدرت می‌دهند، اتحاد احزاب و گروه‌های هم‌فکر را تسهیل می‌کنند و به‌عنوان مکانیسم‌های ارتباطی و هماهنگی در اعتراضات و تظاهرات عمل می‌کنند. بنابراین، باید گفت که رسانه‌های دیجیتال و کنش سیاسی آنلاین افراد در سال‌های اخیر نقش مهمی در بسیج شهروندان برای انبوهی از اعتراضات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی ایفا

کرده‌اند (Weirman, 2020). کنش‌های سیاسی در رسانه‌های دیجیتال به دلیل هزینه کم انتقال اطلاعات، ناتوانی دولت‌ها در اعمال سانسور کامل بر آن‌ها، دسترسی بهتر به اطلاعات سیاسی مانند اخبار و اطلاعات مربوط به اعتراضات، نسبت به رسانه‌های سنتی اخبار اعتراضی را آسان‌تر و سریع‌تر به دست مردم می‌رساند. بنابراین مؤلفه‌هایی مانند سهولت و سرعت دسترسی به اطلاعات مختلف، کارآمدی این شبکه‌ها در سازماندهی و بسیج معترضان و امکان انتشار چندرسانه‌ای اخبار و اطلاعات مربوط به اعتراضات، این رسانه‌ها را به ابزاری ضروری و مؤثر برای فعالان و سیاسی تبدیل کرده است (Rahbarqazi & Nourbakhsh, 2023). بنابراین فرضیه دوم پژوهش عبارت است از این که رسانه‌های دیجیتال، به طور غیرمستقیم، و از طریق متغیر میانجی کنش سیاسی آنلاین باعث تقویت کنش سیاسی اعتراضی در میان شهروندان می‌گردد. سرانجام بر اساس مدل نظری پژوهش، انتظار می‌رود تا کنش سیاسی آنلاین بتواند به طور غیرمستقیم نیز باعث افزایش کنش سیاسی اعتراضی شهروندان گردد. شواهد نشان می‌دهد که گسترش و توسعه روزافزون فناوری‌های جهانی اطلاعاتی و ارتباطی بیش از آنکه در راستای تأمین امنیت اجتماعی باشد، به نوعی تهدید علیه امنیت تبدیل شده‌اند. انقلاب فناوری در حوزه ارتباطات و افزایش رسانه‌های دیجیتال از طریق ایجاد اختلال در فرهنگ و هویت ملی، قومی و مذهبی، امنیت را زائل می‌سازند (Castells, 2001: 37). در این راستا، به نظر می‌رسد گسترش رسانه‌های دیجیتال سبب شده است تا آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین تهدید متوجه امنیت اجتماعی و روانشناختی شهروندان شود (Rafi & Janbaz, 2010: 93). البته شکی نیست که اینترنت موجب وسعت افق دید افراد می‌شود و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای برقراری تماس با دیگران در اختیار آنها می‌گذارد؛ اما ضرب آهنگ لگام گسیخته رشد و گسترش این نوع رسانه‌ها، نشانگر تهدیدها و چالش‌هایی برای شکل‌های سنتی تعامل انسانی نیز هست (Giddens, 2007) که این امر باعث می‌شود تا افراد دنیای اطراف خود، از جمله جهان بین‌الملل، را دنیایی ناامن تصور کنند. از این چشم‌انداز، شهروندان به این جهت در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌نمایند که آن‌ها تلاش دارند تا تهدیدهای احتمالی را کاهش دهند. این امر مخصوصاً زمانی اهمیت پیدا می‌کند که افراد دارای اثربخشی سیاسی بالایی باشند؛ در این حالت افراد احساس می‌کنند می‌توانند با تلاش و کوشش محیط سیاسی اطراف خود را تغییر دهند و معتقدند که چون نظام سیاسی بر روی سرنوشت آنان تأثیر زیادی دارد، بنابراین آن‌ها باید بتوانند با تغییر سیاست‌های موجود تهدیدات محیطی را

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

کاهش دهند (Levine, 2005). بنابراین فرضیه سوم پژوهش عبارت است از اینکه کنش سیاسی آنلاین به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی احساس تهدید سیاسی، باعث افزایش کنش‌های سیاسی اعتراضی می‌شود.



شکل-۱. مدل مفهومی و نظری پژوهش (منبع: نگارنده)

۳- روش پژوهش و سنجش متغیرها

در این پژوهش از موج هفتم داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شده است. پیمایش ارزش‌های جهانی یک طرح پژوهشی جهانی است که ارزش‌ها و باورهای مردم را بررسی می‌کند. داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی یکی از مهم‌ترین داده‌های حوزه‌های علوم سیاسی و اجتماعی است. این پیمایش تا کنون در ۷ موج در بازه زمانی بیش از ۴۰ سال در سراسر جهان برگزار شده است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حاصل از تحلیل این داده‌ها ترسیم نقشه فرهنگی جهان است. رونالد اینگلهارت و همکاران (۲۰۲۴) به‌عنوان مجریان اصلی این پژوهش جهانی، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، کشورها را بر اساس نزدیکی ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی در کنار هم قرار دادند تا نقشه جدیدی از جهان ارایه کنند. پیمایش ارزش‌های جهانی از بررسی نمونه‌ها به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند، که از طریق یک رویکرد سیستماتیک و استاندارد برای گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه ساختمند با نمونه‌های انتخابی ملی افراد صورت می‌گیرد. در این راستا، این داده‌ها در مورد کشور ایران شامل ۱۴۹۹ شهروندان ایرانی ساکن کشور می‌باشد که ۵۱/۱ درصد آنان مرد و ۴۸/۹ درصد زن بودند که در دامنه سنی ۱۸

^۱ World Values Survey

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

تا ۹۹ سال و با میانگین سنی ۳۹ سال قرار داشتند. همچنین ۷۳/۶ درصد افراد دارای تحصیلات کمتر از سطح دانشگاه و بقیه تحصیلات دانشگاهی داشتند. ۴۲ درصد افراد دارای سطح درآمد پایین، ۵۱/۶ متوسط و ۶/۴ دارای سطح درآمدی بالا بودند. سرانجام ۷۴ درصد پاسخگویان ساکن شهرها و ۲۶ درصد افراد ساکن روستاها بودند.

در این راستا متغیرهای مورد آزمون و تعریف عملیاتی آن‌ها عبارت بودند از:

۱. رسانه‌های دیجیتال: تعاریف متفاوتی از رسانه‌های دیجیتال وجود دارد، اما در این پژوهش منظور از رسانه دیجیتال شامل متن، صدا، ویدئو، و گرافیکی است که از طریق اینترنت برای مشاهده یا گوش دادن و یا ارتباطات استفاده می‌شود (Rayburn, 2012). در این راستا، به منظور سنجش این متغیر از سه گویه میزان استفاده افراد از ایمیل، اینترنت، و رسانه‌های اجتماعی یعنی به ترتیب گویه‌های شماره ۲۰۵ تا ۲۰۷ در داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی استفاده شده است.
۲. کنش سیاسی آنلاین: کنش آنلاین سیاسی شامل استفاده از فناوری‌های ارتباطی الکترونیکی مانند رسانه‌های اجتماعی، ایمیل، پادکست‌ها و... برای اشکال مختلف فعالیت سیاسی است تا ارتباطات سیاسی سریع‌تر و مؤثرتر توسط جنبش‌های شهروندان، ارائه اطلاعات خاص به مخاطبان بزرگ و خاص را فراهم کند (Edwards et al, 2013). در این راستا، به منظور سنجش این متغیر از چهار گویه استفاده شد که عبارت بودند از جستجوی اطلاعات در مورد سیاست و رویدادهای سیاسی در فضای مجازی، امضای یا بیان دادخواست الکترونیکی در فضای مجازی، تشویق افراد دیگر به فعالیت سیاسی از طریق فضای مجازی، و سرانجام سازماندهی فعالیت‌ها و رویدادها سیاسی در فضای مجازی.
۳. احساس تهدید سیاسی: یکی از مفاهیمی که می‌تواند در علوم سیاسی بر روی پدیده‌های دیگر تأثیر بگذارد، احساس امنیت است. در این راستا، یکی از شاخص‌های احساس امنیت فقدان نگرانی شهروندان از تهدیدات سیاسی می‌باشد. در این پژوهش به منظور سنجش احساس تهدید سیاسی از سه گویه استفاده شد: احتمال این تهدید که جنگی کشور من را

درگیر کند، احتمال تهدید حملات تروریستی علیه کشور من و احتمال تهدید جنگ داخلی در کشور من.

۴. کنش سیاسی اعتراضی: کنش سیاسی اعتراضی نوعی بیان عمومی اعتراض، مخالفت یا مخالفت نسبت به یک ایده یا اقدام است که معمولاً ماهیت سیاسی دارد (Turner, 1969). در این راستا به منظور سنجش این متغیر از چهار گویه استفاده شد: امضای طومارهای اعتراضی، پیوستن به تحریم‌هایی با ماهیت سیاسی، حضور در تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز و قانونی و پیوستن به اعتصابات غیرقانونی. در این پژوهش این نوع کنش سیاسی، برخلاف کنش سیاسی آنلاین، در سطح آفلاین و واقعی صورت می‌گیرد.

لازم به ذکر است که به منظور بررسی و آزمون مدل نظری پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی^۱ و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۲ نسخه ۳ استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی مدل ساختاری و فرضیات پژوهش، آمار توصیفی و روایی و پایایی مدل‌های اندازه‌گیری و تأیید نشانگرهای آن‌ها مورد آزمون قرار گرفته است. در این زمینه انتظار می‌رود که اولاً بارهای عاملی تمامی متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰/۴۰ و معنی‌دار باشد (Hulland, 1999). همچنین پایایی ترکیبی شاخص دیگری است که در این زمینه استفاده شده است. پایایی ترکیبی^۳ یک معیار ارزیابی برازش درونی مدل است و براساس میزان سازگاری سؤالات مربوط به سنجش هر عامل قابل محاسبه است. مقدار پایایی ترکیبی از نظر نانلی^۴ (۱۹۷۸) باید از عدد ۰/۷۰ بزرگتر باشد. شاخص سوم مورد ارزیابی در این پژوهش شاخص میانگین واریانس استخراج شده^۵ است. میانگین واریانس استخراج شده میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر^۶ (۱۹۸۱) معتقدند روایی

^۱ Partial Least Squares

^۲ Smart PLS

^۳ Composite reliability

^۴ Nunnally

^۵ AVE

^۶ Fornell & Larcker

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

همگرا زمانی وجود دارد که میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵۰ بزرگتر باشد. البته فورنل و لارکر معتقدند که میانگین واریانس استخراج شده با مقدار ۰/۴۰ نیز به این شرط قابل قبول است که اگر مقدار میانگین واریانس استخراج شده کمتر از ۰/۵۰ و بالاتر از ۰/۴۰ باشد، اما پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷۰ باشد، روایی همگرای سازه قابل قبول است. سرانجام شاخص روایی یگانه- دوگانه^۱ شاخص دیگری است که برای بررسی روایی واگرا استفاده شده است. این شاخص روشی برای سنجش میزان روایی واگرا یا افتراق میان گویه‌های تشکیل دهنده هر یک از سازه‌های مدل است. حد مجاز معیار شاخص روایی یگانه- دوگانه میزان ۰/۹۰ می‌باشد. اگر مقادیر این معیار کمتر از ۰/۹۰ باشد روایی واگرا قابل قبول است (Habibi & Jalalnia, 2022).

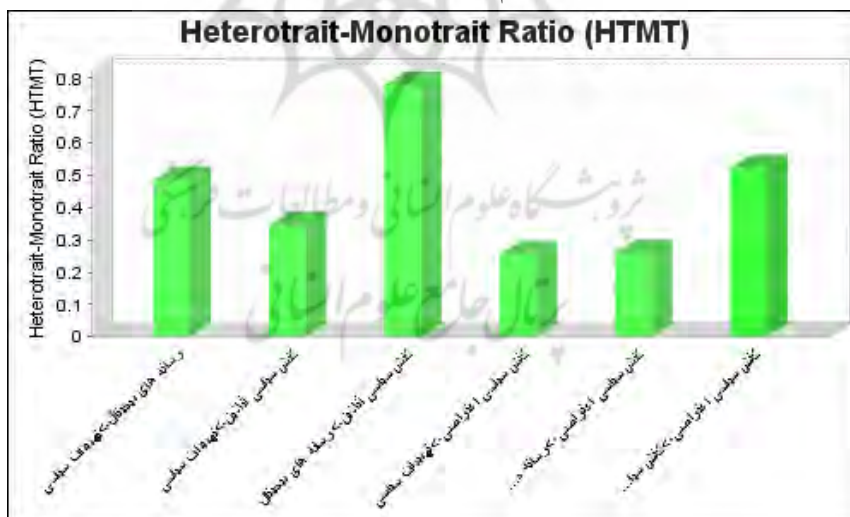
جدول ۱. نتایج آمار توصیفی، تحلیل عاملی تأییدی، روایی هم‌گرا و پایایی ترکیبی

مقیاس	گویه	میانگین	انحراف استاندارد	بار عاملی	AVE	CR
رسانه‌های دیجیتال	q205	۳/۱۲	۱/۲۲	۰/۵۲	۰/۶۵	۰/۸۴
	q206			۰/۹۰		
	q207			۰/۹۳		
کنش سیاسی آنلاین	q217	۱/۶۷	۰/۵۳	۰/۷۲	۰/۵۴	۰/۸۲
	q218			۰/۷۳		
	q219			۰/۷۴		
تهديدات سياسي	q146	۲/۰۱	۰/۶۶	۰/۷۸	۰/۵۸	۰/۸۰
	q147			۰/۸۱		
	q148			۰/۶۸		
کنش سياسي اعتراضی	q209	۱/۵۵	۰/۴۴	۰/۶۴	۰/۴۷	۰/۷۷
	q210			۰/۷۵		
	q211			۰/۵۸		
	q212			۰/۷۳		

(منبع: نگارنده)

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

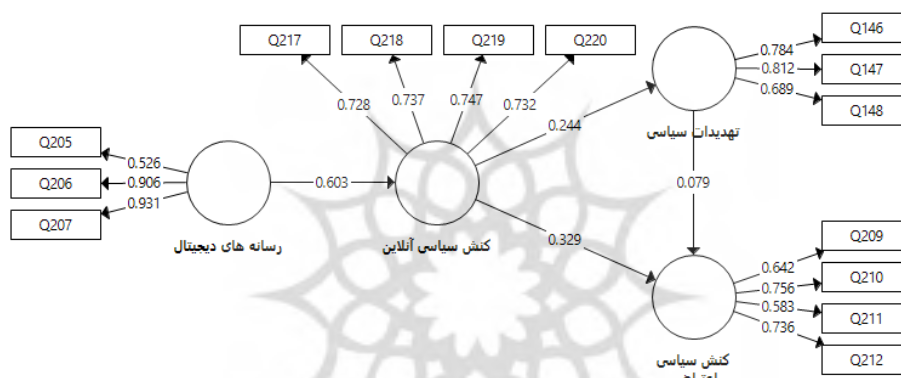
جدول ۱ نتایج آمار توصیفی، تحلیل عاملی تأییدی، روایی هم‌گرا و پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش را توضیح می‌دهد. میزان استفاده از رسانه‌های دیجیتال در میان شهروندان ایرانی ۳/۱۲ با دامنه ۱ تا ۵ بوده است که نشان می‌دهد مصرف رسانه‌های دیجیتال در میان پاسخگویان ایرانی اندکی بالاتر از متوسط بوده است. میانگین کنش سیاسی آنلاین ۱/۶۷ در دامنه ۱ تا ۳ بود که این امر نشان می‌دهد که میزان این متغیر در میان پاسخگویان ایرانی اندکی کمتر از متوسط بوده است. میزان احساس تهدیدات سیاسی توسط پاسخگویان ۲/۰۱ در دامنه ۱ تا ۴ بود که این امر نشان می‌دهد پاسخگویان ایرانی احساس نگرانی نسبتاً کمی در این زمینه داشتند. سرانجام، میزان کنش سیاسی اعتراضی در میان پاسخگویان ایرانی ۱/۵۵ در دامنه ۱ تا ۳ بود که حاکی از پایین بودن میزان این متغیر در میان پاسخگویان بود. از طرف دیگر میزان پایایی ترکیبی همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷۰ بود که نشان می‌دهد بالای مقدار بحرانی قرار دارد. همچنین میزان میانگین واریانس استخراج شده در متغیرهای رسانه‌های دیجیتال، کنش سیاسی آنلاین و احساس تهدیدات سیاسی بالاتر از ۰/۵۰ قرار دارد و میانگین واریانس استخراج شده کنش سیاسی اعتراضی نیز که ۰/۴۷ است به این دلیل که مقدار آن بالاتر از ۰/۴۰ و همزمان، پایایی ترکیبی آن بالاتر از ۰/۷۰ قرار دارد بنابراین طبق نظریه فورنل و لارکر (۱۹۸۱) روایی هم‌گرای آن نیز تأیید می‌گردد.



شکل-۲. آموزش محاسبه شاخص HTMT (منبع: نگارنده)

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شکل ۲ به نتایج آزمون روایی واگرا از طریق شاخص روایی یگانه-دو گانه می پردازد. اگر مقدار شاخص روایی یگانه-دو گانه کمتر از ۰/۹۰ باشد این شاخص مورد تایید قرار می گیرد. در این راستا، نتایج نشان می دهد که میزان این شاخص از رسانه های دیجیتال به تهدیدات سیاسی ۰/۴۸، از کنش سیاسی آنلاین به تهدیدات سیاسی ۰/۳۴، کنش سیاسی آنلاین به تهدیدات سیاسی ۰/۷۷، از کنش سیاسی اعتراضی به تهدیدات سیاسی ۰/۲۵، از کنش سیاسی اعتراضی به رسانه های دیجیتال ۰/۲۵ و از کنش سیاسی اعتراضی به کنش سیاسی آنلاین ۰/۵۲ بوده است که همگی زیر ۰/۹۰ هستند و بنابراین روایی واگرای آن مورد تایید قرار می گیرد.



شکل ۳- آزمون مدل نظری پژوهش در حالت تخمین استاندارد (منبع: نگارنده)

در شکل ۳ آزمون مدل نظری پژوهش در حالت تخمین استاندارد آورده شده است. اعداد نشان داده شده در درون متغیرهای پنهان وابسته و میانجی، ضرایب تعیین و واریانس تبیین شده متغیرها هستند. این شاخص نشان می دهد که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل صورت می گیرد. در این زمینه کوهن^۱ (۱۹۸۸) اعداد ۰/۱۳، ۰/۱۹ و ۰/۲۶ را به عنوان حجم اثرهای کوچک، متوسط و بزرگ معرفی می کند. این امر نشان می دهد که اندازه اثر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر روی کنش سیاسی آنلاین متوسط بوده است. همچنین نتایج نشان می دهد که تمامی متغیرهای پژوهش بر روی هم تأثیرات مثبتی داشته اند. در مورد برازش مدل نیز باید اشاره

¹ Cohen

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

کرد که مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد ۰/۰۸ بود که نشان از برازش مطلوب مدل است.

جدول-۲. خلاصه نتیجه آزمون برازش بخش ساختاری پژوهش

نتیجه آزمون	t	ضریب بتا	ارتباط متغیرها
تایید	۲۵/۲۲	۰/۶۰	رسانه‌های دیجیتال ← کنش سیاسی آنلاین
تایید	۲/۷۵	۰/۰۸	احساس تهدید سیاسی ← کنش سیاسی اعتراضی
تایید	۸/۹۱	۰/۳۲	کنش سیاسی آنلاین ← کنش اعتراضی
تایید	۲/۱۵	۰/۰۲	کنش سیاسی آنلاین ← تهدیدات سیاسی ← کنش اعتراضی
تایید	۸/۶۶	۰/۱۹	رسانه‌های دیجیتال ← کنش آنلاین ← کنش اعتراضی
تایید	۲/۱۰	۰/۰۲	رسانه‌های دیجیتال ← کنش آنلاین ← تهدیدات سیاسی ← کنش اعتراضی

(منبع: نگارنده)

جدول ۲ خلاصه نتیجه آزمون برازش بخش ساختاری پژوهش و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرای مستقل را توضیح می‌دهد. نتایج مقدار t که بالاتر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ است، نشان می‌دهد رسانه‌های دیجیتال به طور مستقیم، بر روی کنش سیاسی آنلاین تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته‌اند و منجر به افزایش کنش سیاسی آنلاین در میان پاسخگویان شده است. همچنین بالاتر بودن مقدار t از مقدار بحرانی ۱/۹۶ نشان می‌دهد که کنش سیاسی آنلاین هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی احساس تهدیدات سیاسی می‌تواند بر روی کنش‌های سیاسی اعتراضی تأثیرات معنی‌داری داشته باشد و منجر به افزایش این نوع کنش‌های سیاسی در میان افراد گردد. سرانجام، نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال به طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای میانجی کنش سیاسی آنلاین و احساس تهدیدات سیاسی نیز می‌تواند بر روی کنش‌های سیاسی اعتراضی شهروندان تأثیر معنی‌دار گذارد و منجر به افزایش این نوع فعالیت‌های سیاسی در میان آنان گردد.

نتیجه گیری

وقتی صحبت از کنش سیاسی می‌شود، راه‌های متعددی برای مشارکت وجود دارد. شما می‌توانید در کمپین‌های مردمی شرکت کنید، با نمایندگان منتخب خود تماس بگیرید، برای سازمان‌ها یا اهداف سیاسی داوطلب شوید، در جلسات تالار شهر شرکت کنید یا حتی خودتان نامزد انتخابات شوید و مسائلی از این قبیل از عناصر مهم کنش سیاسی محسوب می‌شوند. اما یکی دیگر از اجزای کنش سیاسی، کنش سیاسی مبتنی بر رفتارهای اعتراضی است. اعتراض شکل قدرتمندی از کنش سیاسی است که به افراد این امکان را می‌دهد تا حمایت یا مخالفت خود را با برخی از علل، سیاست‌ها یا اقدامات نشان دهند هرچند علل مختلفی برای ایجاد این نوع از کنش‌های سیاسی در میان شهروندان وجود دارد، اما به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم این امر رسانه‌های دیجیتال می‌باشد. نتایج این پژوهش همسو با نظریات کیم و چن (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال بر روی کنش سیاسی آنلاین تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است و منجر به تقویت فعالیت‌های سیاسی آنلاین در میان افراد می‌شود. یکی از دلایل این امر آگاهی و اشتراک گذاری اطلاعات سیاسی در رسانه‌های دیجیتال است که در طی آن پلتفرم‌های رسانه‌های دیجیتال به عنوان کانال‌هایی برای به اشتراک گذاری اخبار، مقالات و اطلاعات مربوط به مسائل و رویدادهای سیاسی عمل می‌کنند. کاربران می‌توانند از طریق رسانه‌های دیجیتال خود از رویدادهای جاری، تحولات سیاست‌ها و مسائل اجتماعی مطلع شوند. دوم این که رسانه‌های دیجیتال گفتمان عمومی در مورد مسائل سیاسی در درون فضای مجازی را تقویت می‌کنند و به افراد اجازه می‌دهند نظرات خود را به اشتراک بگذارند، در بحث‌ها شرکت کنند و به دیدگاه‌های مختلف از سراسر جهان دسترسی داشته باشند و چنین امری موجب تقویت مشارکت آنلاین در بین شهروندان می‌شود. سوم این که، رسانه‌های دیجیتال شهروندان را قادر می‌سازد تا از طریق کنش سیاسی آنلاین بتوانند مقامات منتخب و نهادهای دولتی را با ترویج شفافیت، برجسته کردن موضوعات مورد توجه و تقویت نظارت عمومی، پاسخگو نگه دارند. چهارم این که رسانه‌های دیجیتال می‌توانند برای جمع‌آوری نظرات عمومی در مورد پیشنهادات سیاست، درخواست بازخورد، و مشارکت شهروندان در ایجاد راه‌حل‌هایی برای مشکلات اجتماعی استفاده شوند و مشخص است که بخشی از این کنش‌های عمومی و سیاسی از طریق فضای آنلاین صورت می‌گیرد. سرانجام، کنش سیاسی آنلاین شامل تلاش‌های حمایتی از

تبیین مدل چگونگی تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بحران‌های سیاسی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران

قبیل امضای طومارها، به اشتراک‌گذاری محتوای کمپین، و مشارکت در فعالیت‌های آنلاین برای تأثیرگذاری بر نتایج سیاست‌ها می‌شود و رسانه‌های دیجیتال می‌توانند در چنین مواردی به شهروندان کمک زیادی نمایند.

همچنین نتایج این پژوهش همسو با یافته‌ها و نظریات ویرمن (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی به‌طور غیرمستقیم و از طریق افزایش کنش سیاسی آنلاین توانسته است بر روی کنش سیاسی اعتراضی تأثیر مثبت گذارد. رسانه‌های دیجیتال تأثیر قابل توجهی بر نحوه سازماندهی، اطلاع‌رسانی و اجرای کنش‌های سیاسی اعتراضی دارند. در این راستا، اولاً رسانه‌های دیجیتال بستری را برای فعالیت‌های مجازی از جمله درخواست‌های آنلاین، جمع‌آوری کمک‌های مالی و کمپین‌های آگاهی فراهم می‌کنند و این امکان فضای مناسبی را برای کنش آنلاین ایجاد می‌کند که آن نیز نهایتاً باعث می‌شود تا طیف وسیعی از کنشگری سیاسی در راستای اعتراضات سیاسی و غیر متعارف فراهم شود. ثانیاً، پلتفرم‌های رسانه‌های دیجیتال با تقویت کنش سیاسی آنلاین به سازمان‌دهندگان کنشگری سیاسی این امکان را داده‌اند که به سرعت و به‌طور مؤثر به مخاطبان زیادی دست یابند و آن‌ها می‌توانند از این سکوها برای سازماندهی تجمعات، راهپیمایی‌ها و سایر اشکال اعتراضی و انتشار اطلاعات در مورد علت و تدارکات اعتراض استفاده کنند. سوم این که، رسانه‌های دیجیتال با تقویت کنش سیاسی آنلاین بستری را برای همه شهروندان و افراد فراهم می‌کند تا تجربیات و دیدگاه‌های شخصی خود را به اشتراک بگذارند، که می‌تواند به تقویت پیام و تأثیر اعتراض کمک کند. به عبارت دیگر، این امکان انتشار سریع تصاویر، ویدئوها و گزارش‌های دست اول از رویدادها را فراهم می‌کند که می‌تواند افکار عمومی را تحریک کند و حمایت شهروندان را برای کنشگری سیاسی جلب کند. چهارم این که، رسانه‌های دیجیتال این امکان را فراهم کرده‌اند که اعتراضات در مقیاس جهانی توجه مردم را به خود جلب کند. هشتگ‌ها و محتوای ویروسی می‌توانند پیام اعتراضی را بسیار فراتر از مکان اصلی خود منتشر کنند و امکان همبستگی و حمایت بین‌المللی را فراهم کنند. پنجم این که رسانه‌های دیجیتال معترضان را قادر می‌سازد تا با جنبش‌های دیگر در سراسر جهان ارتباط برقرار کنند و از آن‌ها تاکتیک‌های کنشگری اعتراضی را بیاموزند و بدین ترتیب امکان تبادل تاکتیک‌ها، استراتژی‌ها و منابع فراهم شود. سرانجام، رسانه‌های دیجیتال چشم‌انداز رسانه‌های سنتی که عمدتاً دست حکومت است را مختل کرده‌اند به گونه‌ای که اخبار اغلب ابتدا از طریق پلتفرم‌های

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اجتماعی منتشر می‌شود و این امر می‌تواند بر چارچوب‌بندی و پوشش اعتراضات و انتشار اطلاعات تأثیر بگذارد. به طور خلاصه، رسانه‌های دیجیتال اساساً چشم‌انداز اعتراضات و کنشگری را تغییر داده‌اند و فرصت‌ها و چالش‌هایی را فراهم کرده‌اند. تأثیر آن چند وجهی است و بر نحوه سازماندهی، اطلاع‌رسانی و درک اعتراضات تأثیر می‌گذارد و نقش مهمی در شکل دادن به گفتمان عمومی و کنش سیاسی دارد.

سرانجام نتایج پژوهش همسو با نظریات گیدنز (۲۰۰۷) و لوین (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش نگرانی‌های سیاسی و احساس عدم امنیت مردم نیز بر روی کنش سیاسی اعتراضی تأثیر داشته است. در این راستا، به نظر می‌رسد ماهیت سریع و گسترده رسانه‌های دیجیتال به شایعات سیاسی اجازه می‌دهد تا به سرعت و به طور گسترده منتشر شوند. پست‌ها، تصاویر و ویدیوها می‌توانند در عرض چند ساعت به صورت ویروسی درآیند و قبل از بررسی واقعیت یا راستی آزمایشی به مخاطبان زیادی دسترسی پیدا کنند و چنین امری باعث ایجاد نگرانی‌های سیاسی و نهایتاً منجر به کنش اعتراضی شهروندان می‌شود. دوم این‌که، الگوریتم‌های رسانه‌های دیجیتال اغلب اتاق‌های پژواکی را ایجاد می‌کنند، جایی که کاربران در معرض محتوایی قرار می‌گیرند که با باورها و تعصبات موجود آن‌ها همسو است و این می‌تواند منجر به انتشار سریع شایعات در گروه‌های همفکری که دارای نگرانی‌های سیاسی نیز هستند، بدون بررسی دقیق شود. سوم این‌که رسانه‌های دیجیتال درجه‌ای از ناشناس بودن و نام مستعار را فراهم می‌کنند، که می‌تواند کاربران را به انتشار اطلاعات نادرست بدون ترس از عواقب آن، ترغیب کند و این امر باعث می‌شود شایعات بدون ردیابی منبع‌شان آسان‌تر شوند و بدین ترتیب گاهی اخبار غیر واقعی نگران‌کننده‌ای تولید شود که منجر به کنش اعتراضی شهروندان گردد. چهارم این‌که، گاهی بازیگران دولتی، سازمان‌های سیاسی یا گروه‌های ذینفع می‌توانند از رسانه‌های دیجیتال برای انتشار عمدی شایعات و اطلاعات نادرست به‌عنوان بخشی از کمپین‌های اطلاعات نادرست، با هدف ایجاد تفرقه در بین اردوگاه و پایگاه‌های احزاب رقیب استفاده کنند و چنین امری منجر به نگرانی‌های سیاسی شهروندان شده و آن‌ها را به سمت کنشگری اعتراضی بکشانند. سرانجام این‌که، بسیاری از پست‌های رسانه‌های دیجیتال تحت نظارت تحریریه یا هیات بررسی حقایق نیستند، و به شایعات اجازه می‌دهند بدون مانع

منتشر شوند، و چنین امری فضا را برای ایجاد ناامنی و سپس کنش سیاسی اعتراضی در بین شهروندان فراهم می‌کند.

Translated References to English

- Agojo, K.N.M., Bravo, M.F.J., Reyes, J.A.C., Rodriguez, J.A.E., Santillan, A.M.A. (2023). Activism beyond the streets: Examining social media usage and youth activism in the Philippines. *Asian Journal of Social Science*. 51(3): 180-187
- Amiri, M., Rezaei, Q. (2016). Analyzing the effect and role of the Internet and virtual social networks in how the Tunisian and Egyptian revolutions took place. *Political Studies*, 8(32), 167-180. (in Persiam)
- Bennett, W. L., Segerberg, A. (2012). The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 739-768.
- Castells, M. (2001). *Information Age: Economy, Society and Culture (Emergence of Network Society)*. Translated: Ahad Aliqlian and Afshin Khakbaz. Tehran: New Design Publications. (in Persiam)
- Casteltrione, I. (2016). Facebook and political participation: Virtuous circle and participation intermediaries. *Interactions: Studies in Communication & Culture*. 7: 177-96.
- Chegini, S. (2008). Solutions for political advertising in elections. *Media Science Quarterly*, 19(4), 11-39. (in Persiam).
- Cheong, H. J., Baksh, S.M., Ju, I. (2022). Spiral of silence in an algorithm-driven social media content environment: Conceptual framework and research propositions. *Kome: An International Journal of Pure Communication Inquiry*, 10(1), 32-46.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Diou, N.A., Mahar, S.A., Ibutoto, M.H., Dahar, S.H. (2018). Integration of political participation and media of youth—a study of Khairpur City, Sindh, Pakistan. *Open Journal of Social Sciences*, 6(11), 266-276.
- Dunu, I., Uzochukwu, C. (2015). Social media: An effective tool for social mobilization in Nigeria. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*. 20: 10-21.
- Edwards, F., Philip, N.H., Mary, J. (2013). Digital Activism and Nonviolent Conflict. The Digital Activism Research Project. <https://web.archive.org/web/20160315121802/http://digital-activism.org/download/1270>
- Enikolopov, R., Makarin, A., Petrova, M. (2020). Social media and protest participation: Evidence from Russia. *Econometrica*, 88 (4), 1479-1514.
- Fornell, C., Larcker, D.F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.
- Giddens, A. (2007). *Sociology*, translated: Hassan Chavoshian, Tehran: Nashrani. (in Persiam)

- Grishin, N.V. (2021). Reinforcement theory and study of the impact of internet technologies on political participation of modern youth. *RUDN Journal of Political Science*, 23(1), 47-59.
- Habibi, A. Jalalnia, R. (2022). *partial least squares*. Tehran: Narun. **(in Persian)**
- Hersij, H., Rabienia, B. (2023). The formation pattern of protest movements with an emphasis on the role of virtual social networks. *Applied Sociology*, 34(3), 1-22. **(in Persian)**
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic management journal*, 20(2), 195-204.
- Inglehart, R., Haerpfer, C., Moreno, A., Welzel, C., Kizilova, K., Diez-Medrano, J., Lagos, M., Norris, P., Ponarin, E., Puranen et al, B. (2024). World Values Survey: Round Six - Country-Pooled Datafile Version: <https://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWV6.jsp>
- Jost, J.T., Barberá, P., Bonneau, R., Langer, M., Metzger, M., Nagler, J., Tucker, J.A. (2018). How social media facilitates political protest: Information, motivation, and social networks. *Political psychology*, 39, 85-118.
- Katz, E., Lazarsfeld, P.F., Roper, E. (2017). *Personal influence: The part played by people in the flow of mass communications*. Routledge.
- Kim, S.J. (2023). The role of social media news usage and platforms in civic and political engagement: Focusing on types of usage and platforms. *Computers in Human Behavior*, 138, 107475.
- Kim, Y., Chen, H.T. (2016). Social media and online political participation: The mediating role of exposure to cross-cutting and like-minded perspectives. *Telematics and Informatics*, 33(2), 320-330.
- Lee, F.L.F., Chan, J.M. (2018). *Media and protest logics in the digital era: Hong Kong's umbrella movement*. New York, NY: Oxford University Press.
- Levine, J. (2005). *The Social Logic of Politics: Personal networks as contexts for political behavior*, Philadelphia: Temple University Press.
- Lin, H., Wang, Y., Lee, J., Kim, Y. (2023). The effects of disagreement and unfriending on political polarization: a moderated-mediation model of cross-cutting discussion on affective polarization via unfriending contingent upon exposure to incivility. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 28(4), zmad022.
- Mandrysz, W. (2016). Mobilization of youth to cooperate in solving common problems and satisfying shared needs in practice of Local Community Organizing, participatory budgets and other community actions. *Spécificités* 9: 51-61.
- Montgomery, K.C., Xenos, M. (2008). *Civic life online: Learning how digital media can engage youth*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Nam, T. (2012). Dual effects of the internet on political activism: Reinforcing and mobilizing. *Government Information Quarterly*, 29, S90-S97.
- Noelle-Neumann, E. (1993). *The spiral of silence: Public opinion--Our social skin*. University of Chicago Press.

- Nunnally, J.C. (1978). *Psychometric testing*. New York: Mc Graw-Hill.
- Rafi, H. Janbaz, D. (2010). The impact of global information and communication technologies on the national security of countries. *Journal of Faculty of Law and Political Science*, 40(1), 79-97. (in Persiam)
- Rahbarghazi, M., Motamedi, S., Shahriyari, A. (2017). The relationship between social networks and political participation with an emphasis on the role of mediator of political debate, political efficacy and political culture. *Social-cultural development studies*; 6 (2):127-149. (in Persiam)
- Rahbarqazi, M., Nourbakhsh, S. (2023). The Effect of Social Media on Iranian Citizens' Electoral Participation and Political Action. *Communication & Society*, 36(2), 89-95.
- Rayburn, D. (2012). *Streaming and digital media: understanding the business and technology*. New York: Taylor & Francis.
- Sardarnia, Kh. (2009). Internet, new social movements and mobilization of protests (a theoretical and case study of several social movements). *Communication Research*, 16(60), 151-176. (in Persiam)
- Scheufele, D.A. (2002). Examining differential gains from mass media and their implications for participatory behavior. *Communication Research*, 29(1), 46-65.
- Shams, M., Furqani, M.M. (2019). Virtual social networks and the production of rumors in political elections (case study: Instagram social network). *Audiovisual Media*, 12(28), 120-95. (in Persiam)
- Shmargad, Y., Klar, S. (2019). How partisan online environments shape communication with political outgroups. *International Journal of Communication*, 13, 2287-2313.
- Trottier, D., Fuchs, C. (2014). *Social media, politics and the state: Protests, revolutions, riots, crime and policing in the age of Facebook, Twitter and YouTube*. New York: Routledge.
- Turner, R.H. (1969). The Public Perception of Protest. *American Sociological Review*, 34(6), 815-831.
- Vraga, E.K., Tully, M. (2021). News literacy, social media behaviors, and skepticism toward information on social media. *Information, Communication & Society*, 24(2), 150-166.
- Weirman, S. (2020). *Understanding Social-Media-Facilitated Mobilization Through Network Mental Models: An Exploratory Analysis of Emergent, Network-Level, Coordinated Team Functioning*. Doctoral Thesis. Philosophy in Information Sciences and Technology. The Pennsylvania State University.
- Zhu, A.Y.F., Chan, A.L.S., Chou, K.L. (2019). Creative social media use and political participation in young people: The moderation and mediation role of online political expression. *Journal of adolescence*, 77, 108-117